

بررسی ابعاد و چرایی ترور سرچشمه

«حزب جمهوری اسلامی»

دفتر



عنوان سومین دبیرکل در یک سال در کارنامه دارد؛ در پاسخ به وی نکات جامعی را بیان می‌کند. اما در میان آنها جملاتی به جهت توصیف دیدگاه شخصی ایشان متمایز است: «بدانید من خودم قبل از پیروزی انقلاب، سال‌های متعددی دنبال همین حزب بودم. بنابراین، من به حزب به معنای صحیحش معتقدم؛ لیکن آن چیزی که امروز در جامعه ما می‌گذرد این تشکیلات حزبی‌ای که الان به وجود می‌آید - شکل غلط حزبی است؛ و این هیچ حسرت و تأسفی ندارد که شما بگویید این کار به جایی نرسیده است. نرسد! این‌طور حزب و این‌گونه حزب‌بازی، اصلاً لطفی ندارد.» (بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی، ۴/۱۲/۱۳۷۷)

آنچه در آن جلسه به عنوان وجه تمایز حزب مطلوب با حزب مخرب مطرح شد این بود که «اگرچه کسب قدرت برای یک حزب موفق، یک امر قهری است اما هدف حزب نباید به دست آوردن قدرت باشد. هدف بایستی هدایت فکری مردم به سمت آن فکر درست باشد که خود شما به آن اعتقاد دارید. این عقیده من درباره حزب است. شما هم آزادی قبول بفرمایید یا نفرمایید.»

تشکیلاتی آرمان محور

البته این تنها اشاره امام خامنه‌ای به موضوع حزب در دوره رهبری نبوده است. ایشان چند نوبت دیگر هم به این موضوع پرداخت. مثلاً در سفر استانی به کرمانشاه در میان چند موضوع مهم و راهبردی، مسأله حزب و تفاوت حزب آگاهی بخش و حزب قدرت طلب را نیز مورد توجه قرار داد و در آن میان به تجربه خود اشاره کرد: «قبل از پیروزی انقلاب، پایه‌های یک حزب بزرگ و فعال را خود ما ریختیم؛ اول انقلاب هم این حزب را تشکیل دادیم، امام هم تأیید کردند، چند سال هم با جدیت مشغول بودیم؛ البته بعد به جهاتی تعطیل شد... آن حزبی که مورد نظر ماست، عبارت است از یک تشکیلاتی که نقش راهنمایی و هدایت آحاد مردم را به سمت یک آرمان‌هایی ایفا می‌کند...» (بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۲۴/۷/۱۳۹۰)

این موضوع در دوره حزب نیز بارها بیان شده بود. به عنوان مثال، معظم له در دیدار با مسئولان واحدهای حزب جمهوری اسلامی سراسر کشور حزب صحیح را به دور از قدرت طلبی و بر این مبنا تعریف کرد: «حزب یعنی اندیشه‌های درست، افکار اسلامی متین و قوی، برخورد‌های برداشته‌ها و تحلیل‌های سیاسی دقیق و بموقع را بشکل صحیح به تمام اقشار جامعه رساندن،

بود ما هنوز اعلام نکرده بودیم و برادر عزیزمان آقای رفسنجانی خدمت امام بودند. پس از بازگشت گفتند امام می‌گفتند پس چه شد؟ یعنی این قدر به رأی العین این ضرورت را احساس می‌کردند می‌خواستند این کار هرچه زودتر انجام بگیرد.»

حزب در برابر حزب‌بازی

چهارم اسفندماه ۱۳۷۷، اندکی پس از اعلام موجودیت دومین حزب دولت‌ساخته بعد از انقلاب اسلامی، جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی برگزار می‌شود. از میان جمع، یک نفر که به دنبال «آزادی» فعالیت احزاب است، تقاضا می‌کند پیشنهادی برای خروج بحث «حزب در ایران» از بن بست ارائه شود. امام خامنه‌ای، که در سال ۱۳۶۰ تجربه مسئولیت دبیرکل حزب جمهوری اسلامی را به

گفت: «این تجربه‌ای بود که ما در بررسی حوادث همین آب و خاک و همین شما مردم به دست آورده بودیم. به همین دلیل ما مدت‌ها و سال‌ها بود با پاران و دوستانمان در پی این بودیم که به ایجاد نوعی تشکیلات اسلامی-سیاسی فعال مردمی دست بزنیم... به خصوص حوادث سال ۱۳۵۴ و آن اعلام مواضع خاصی که پیش آمد [تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق به مارکسیسم] همه را نگران کرد، برای ما هشیارباش بود که حرکت متشکل باید برخورددار باشد از یک نوع هدایت و رهبری متعهد واجد شرایط فقهات پویا و ارزنده اسلامی... پس از پیروزی ۲۲ بهمن مجدداً مسأله و مطلب با امام درمیان گذاشته شد نظر ایشان را جویا شدیم. ایشان همان موقعی که ما در تلاش بودیم برای تشکیل شورای انقلاب و دولت موقت انقلاب به رأی العین دیدند که چطور اگر یک انقلاب و مبارزه تشکیلات از خودش نداشته باشد، روزگاری می‌رسد که باید آدم از اینجا و آنجا قرض کند... یکی دو روز گذشته

تفاوت‌های این مدل حزب جدید

شهید بهشتی این نوع حزب را دارای یک تفاوت با حزب‌های قدرت طلب معرفی می‌کند: «اگر دو نفر از نظر ارزش‌ها از هر جهت مساوی باشند خوب اولی که عضو این تشکیلات است به دلیل اینکه هماهنگ‌تر می‌تواند کار بکند یک اولویت و یک امتیاز فقط دارد همین فقط یک امتیاز معمولی والا اگر یک کسی از بیرون عضو تشکیلات نیست اما از نظر معیارها و ارزش‌ها برتر باشد او مقدم بر این خواهد بود.» ادعایی که با رجحان شهید رجایی، عنصر برجسته‌ای که عضو حزب نبود بر نامزد‌های حزبی هنگام انتخاب نخستین نخست‌وزیر از طرف اولین مجلس شورای اسلامی که اعضای حزب در آن فراکسیونی قوی داشت و سپس معرفی او به عنوان نامزد ریاست جمهوری در عمل اثبات شد.

محوریت ایدئولوژی به جای قدرت

در میان نظرات دیگر مؤسسان هم، نشانه‌هایی از تفاوت مبنایی و انگیزه متفاوت برای تأسیس حزب بیان شده بود. به عنوان مثال شهید دکتر باهنر دومین دبیرکل حزب چنین گفت: «حزب جمهوری اسلامی بر این اساس تشکیل شد که

محمد مهدی اسلامی

پژوهشگر

هدف قرار گرفتن «حزب جمهوری اسلامی» به عنوان بزرگترین عملیات تروریستی در بحرانی‌ترین سال پس از انقلاب اسلامی، نشان از اهمیت جایگاه آن برابر دشمن دارد. چرا حزب تا این حد اهمیت داشت؟ هنوز یک هفته از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که بیانیه‌ای با امضای ۵ روحانی نزدیک به امام خمینی، خبر از تأسیس یک حزب داد. حزبی که با تجربیات پیشین متفاوت بود و «حزب جمهوری اسلامی» نام گرفته بود، بلافاصله با چنان استقبالی مواجه شد که برای مؤسسان پیش‌بینی‌ناپذیر بود.

اما شاید این سؤال مطرح باشد که از منظر نسل اول انقلابیون چرا این امر آن قدر ضروری تلقی شد که هنوز انقلاب تثبیت نشده اقدام به تأسیس آن کردند؟ این پرسش در همان روزهای ابتدایی تأسیس حزب فروردین ۱۳۵۹ آیت‌الله شهید، دکتر بهشتی در ابتدای ارائه گزارش عملکرد یکساله حزب می‌گوید: «دیروز در دانشکده الهیات بحثی داشتیم... یکی از سؤالات این بود که... آیا فکر نمی‌کنید که شما و امثال شما از همان طریق روحانیت و رابطه‌ای که از این طریق دارید نقش اجتماعی‌تان را بدون پرداختن به حزب ایفا کنید؟» او با تأکید به اشراف مؤسسان حزب که هر پنج نفر روحانی بودند (حضرات آیات بهشتی، خامنه‌ای، باهنر، اردبیلی و هاشمی) به این پایگاه اجتماعی، از نیاز مضاعفی سخن به میان می‌آورد: «تجربه تاریخی نشان داده است که در تاریخ ملت ما هر بار ملت قیام کرد و در این قیام به خصوص هنگامی که روحانیت و نقش علمای اسلامی متعهد و آگاه به صورت عامل برجسته پیروزی قیام مورد قبول خودی و بیگانه قرار گرفت... پس از پیروزی یک گروه متشکل... به دلیل شکل‌شان آمدند و صاحب همه دستاوردهای این مبارزه و نبرد و خلق و ملت شدند و مبارزه را پس از پیروزی به هر سمتی دلشان خواست بردند یک وقتی به سمت شرق، یک وقتی به سمت غرب و همه فریادهای ملت که از عمق وجدانشان برمی‌خاست که نه شرقی و نه غربی را خنثی و بی‌اثر کردند.» (روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۲۵۵، ۲۸ فروردین ۱۳۵۹، ص ۶)

او در ادامه درباره شتاب در زمان تأسیس حزب چنین

هنوز یک هفته از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که بیانیه‌ای با امضای ۵ روحانی خمینی، خبر از تأسیس یک حزب داد. حزبی که با تجربیات پیشین متفاوت بود و «حزب جمهوری اسلامی» نام گرفته بود، بلافاصله با چنان استقبالی مواجه شد که برای مؤسسان پیش‌بینی‌ناپذیر بود